

آچارکشی

پشم‌شانه‌زده موجود است



✎ **پوریا عالمی**

● دیروز بررسی کردیم چرا دولت آقای احمدی‌نژاد ۷۸۰ تن میخ از چین وارد کرده، امروز به فهرست جدید ایلنا می‌پردازیم تا ببینیم هیچ‌چیز در دوره محمودی از جمله واردات از چین بی‌حساب‌و‌کتاب نبوده است:

کُرک یا موی نرم، ۴۸ تن: دلیل واردات کرک این بوده که بعد از اینکه آقای احمدی‌نژاد می‌تشویق کردند بچه‌های دبیرستانی ازدواج کنند، بچه‌های دبیرستانی رفتند خواستگاری، منتها بابای دختر گفت پسرم تو هنوز کرک‌های روی صورتت هم درنیامده. تیم استراژی دولت هم تشخیص داد اگر ۴۸ تن کرک به دبیرستان‌ها تزریق شود، ازدواج تسهیل می‌شود. **پشم‌شانه‌زده، ۸۵۷ تن:** متأسفانه پشم موجود در کشور شانه‌زده است و این مسئله در مخ دولت بود. به همین دلیل دولت تصمیم گرفته بود نظافت را به صورت جهان‌شمول و همه‌جانبه آغاز کند و چه‌چیزی مهم‌تر از اینکه پشم‌ها شانه‌زده باشند؟

تور ماهیگیری، ۹۵۰ تن: دولت تصمیم داشت صنعت توریسم را در کشور جدی بگیرد و برای همین قرار شد تورهای زیادی در کشور برگزار شود. ۹۵۰ تن تور از چین وارد شد که بعدا متوجه شدند آن توری که در توریسم می‌گویند این‌قدر سوراخ ندارد و باید جای تور ماهیگیری، تور پرده وارد می‌کردند که سوراخ ریزتری دارد و مناسب گردشگری است.

زیرببرهنی، ۱۴ تن: که به نظر ما همین‌که زیرسفرهای وارد نکرده‌اند باید شاکر باشیم.

زیرپوش چسبان، ۱۴ تن: کارشناس دولت متوجه شدند به دلیل سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت، زندگی به مردم نمی‌چسبد به همین دلیل ۴۴تن زیرپوش چسبان وارد کردند.

دستکش تک‌انگشتی، ۱۳۳ تن: این‌طور که ما متوجه شدیم دولت گذشته، مملکت که هیچی، دنیا را روی یک انگشتش می‌چرخانده و قبول داردیک که این کار استهلاک زیادی برای انگشت ایجاد می‌کنند. ۱۳۳ تن دستکش تک‌انگشتی کثرین هزینه‌ای بوده که ما برای مدیریت دنیا پرداختیم.

کلاه‌گیس، ۷۷ تن: مردم شاکلی بودند دارد کلاه می‌رود سرشان، دولت با اعلام اینکه ما ۷۷ تن کلاه‌گیس کامل وارد کردیم گفت ما سر شما کلاه‌گیس گذاشتیم که با کلاه فرق دارد.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۴ ۲۶ ذی‌القعدة ۱۴۳۶ ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۵ سال سیزدهم- شماره ۲۳۹۴ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۳۸ • اذان صبح فردا ۵:۱۸ • طلوع آفتاب ۶:۴۳

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



نگاهی نو، خلاقیتی نو، خدماتی نوین

رستوران لئون شعبه نیاوران

خیابان دکتر باهنر(نیاوران)، بعد از مژده، پلاک ۴۰۶

تلفن: ۰۰ ۲۲ ۴۴ ۲۲

www.leon1960.com

آینه‌های روبه‌رو

عباس عبدی بررسی کرد:

مهاجران ومسئولیت اخلاقی جامعه‌مجاهر

مناسبی پیدا و با آن ارتباط برقرار کنند. هرجایی که قدرت و اقتدار نباشد، هر نوع میکروب و ویروسی رشد می‌کند. بی‌قدرتی بدتر از وجود یک قدرت ظالم است. قدرت ظالم می‌تواند امنیت را برقرار کند ولی در بی‌قدرتی، هرج‌ومرج و بحران انسانی غالب است و غربی‌ها باید بخشی از مسئولیت سیاسی این بحران را برعهده بگیرند.

✎ در برخی از کشورها، شهروندان موافق پذیرش پناهجویان هستند اما دولت‌ها نه؟

شهروندان لزوماً تصویر دقیقی از نتایج و ادامه پذیرش پناهنده ندارند ولی دولت‌ها به مسئولیت‌های بعدی فکر می‌کنند. پذیرش پناهنده ساده است اما تأمین آنها و سپس بیرون‌کردن سده نیست. در انگیزه‌های پذیرش، مسائل اقتصادی و جمعیتی هم وجود دارد. اروپا نمی‌تواند مسائل جمعیتی‌اش را بدون پذیرش مهاجرت حل کند. بنابراین پذیرش پناهندگان یک تیر و دو نشان است؛ هم وجه اخلاقی مسئله حل می‌شود و هم نیازهای جمعیتی، اروپایی‌ها دو دسته هستند که باید آنها را از هم جدا کرد. یک دسته اروپای‌شمالی و آلمان است و گروه دیگر اروپای شرقی و جنوبی است که این دسته با بحران‌های اقتصادی شدیدی روبه‌رو هستند. یونان در رکود کامل است. این فرق دارد با آلمان که اقتصاد قدرتمندی دارد. به دلیل این دو گروه‌بودن، اتحادیه اروپا در برابر پذیرش پناهندگان مواضعشان یکدست نیست. البته مسئله اختلاط‌های فرهنگی هم هست. در بعضی از کشورها جناح‌های راست شکل گرفته‌اند و اختلاط‌های نژادی را منع می‌کنند. اروپای غربی هم می‌خواهد مشکل جمعیت و نیروی کارش حل شود ولی در برابر اختلاط فرهنگی، عوارضی مثل شکل‌گیری طرفداران اروپایی داعش را هم می‌بیند و البته می‌خواهند این مسئله پذیرش پناهندگان کنترل‌شده انجام شود.

آکادمی

به بهانه مرگ «الیور ساکس»، پزشکی عصب‌شناس و هنرشناسی مغز کاو آن‌گاه که یکه‌سواری از حرکت باز می‌ایستد!

گوش‌فرا دادن به توصیه‌های «ساکس» را نداشتند. به همین خاطر است که «ساکس» قبل از مرگ، بنیادی عام‌المنفعه از خود به‌جا گذاشت که هدفش افزایش فهم مغز و ذهن انسان از طریق روایت شرح‌حال موردی و نگاهی انسانی به بیماری‌های نورولوژیک است. کارهای او در جامعه و میان مردم انعکاس شگفت‌انگیزی داشت. کتاب‌هایش پرفروش شد. کتاب «بیدارشدگان» (۱۹۷۳). داستان انسان‌های بیدارشدن از خواب در حالت مومیایی، با حرکات منجمدشده، ناشی از ورم مغزی ویروسی همه‌گیر در بیمارستانی در نیویورک و تلاش برای درمان آنها با دارویی جدید به نام ال‌دوپا، برای «ساکس» شهرت آورد. «هارولد پینتر»، نمایش‌نامه‌ای بر اساس آن نوشت و در سال۱۹۹۰ هالیوود فیلمی موفق با درخشش «ایرلن دونیور» و «رابین ویلیامز» ساخت. با اقتباس از کتاب «مردی که کلاهش را با زنش عوضی گرفته بود» (۱۹۸۵)، «پیتر بروک» تئاتری روی صحنه برد، که در لندن شناسن تماشاى آن را داشت. ایرایی بر اساس داستان این کتاب توسط «مایکل نیمن» و «گریستو رولنس» روی صحنه رفت که در جریان یکی از اجراهای آن در حاشیه کنفره نورولوژی جهانی در لندن، اولین‌بار «الیور ساکس» را از نزدیک دیدم، درحالی‌که بیش از ۳۰سال او را از طریق نوشته‌هایش می‌شناختم و از نظر اندیشه و احساس به او نزدیک بودم. در سال گذشته بخش‌هایی از کتاب‌های «موسیقی‌خواهی» (۲۰۰۷) و «توهلمات» (۲۰۱۲) او توسط دکتر «باطنی» به فارسی ترجمه و در جلسات عصب‌پژوهی اجتماعی در بیمارستان شهدای تجریش بازخوانی شد. او در یکی از آخرین کتاب‌های خود، «چشم ذهن» (۲۰۱۰)، اشاره‌ای به سرطان چشم خود و علائم آن دارد. او داستان زندگی خود را در واپسین اوقات زندگی در کتاب در راه رفتن: یک زندگی (۲۰۱۵) می‌نویسد. خلافت او در نمایاندن زوایای کار مغز و ذهن انسان باعث شد که علاوه بر نوشتن، در کار ساختن مستندهای بسیاری درباره بیماران خود حضور پیدا کند، تا مردم بیشتری را با آنچه در مغزشان می‌گذرد، آشنا کند. توانایی‌های ناشناخته و کشف‌نشده‌ای از خلاقیت و هنر را در کارکرد مغز بیماران نورولوژیک، در اتیسم، اسپرگر، تورت، ناپیانیان، ناشنوبان، پارکینسونی‌ها، سکنه‌مغزی‌ها، توهم‌زدگان، کوررنگان و قطع‌عضوشدگان در خیال دارای عضو، جست‌وجو می‌کرد. او در راهی که می‌رفت، یگانه بود. افق دیدی گسترده و عمیق داشت. «ساکس» خود فکر می‌کرد که هیچ‌کس مانند کس دیگری نیست. وقتی کسی می‌رود، بخشی از ما می‌رود. گودالی در ذهن ما ایجاد می‌کند که پرسش‌دنی نیست. پس از ریشه‌دواندن سرطان در جاننش در واپسین روزهای زندگی، در ۸۲سالگی، سیاست‌گزار موهبت فرصت لختی زندگی به‌عنوان جاندارى متفکر روی کره زیبای زمین بود.

آینه‌های روبه‌رو

جنسیتی»، «کارنامه دوساله دولت»، «بخش خصوصی و اقتصاد فساد» و «برگ‌داشت محمد بسته‌نگار». همچنین در پرونده حمید عنایت، علی بنوعزیزی به سؤالاتی در مورد جایگاه فکری این چهره اندیشه‌ور در ایران پاسخ داده است. حاتم قادری نیز در گفت‌وگویی، حیات فکری عنایت را بررسی کرده و از عنایت به‌عنوان چهره‌ای نام برده که فرصتی برای انسجام‌بخشی به اندیشه خود نداشته است.

قصدم این نیست که همه مشکلات منطقه را به این عامل خارجی تقلیل دهم زیرا مسائل داخلی آنها هم زیاد است ولی رفتار بیگانگان مهم است.

✎ از سوی کشورهای اروپایی درباره پناهندگان مطرح می‌شود، مشکلات داخلی خودشان است؟

اکبر جهان کوچک شده و بر اثر انقلاب دیجیتالی کوچک‌تر از گذشته هم شده است و هر گوشه‌ای خبری شود درلحظه همه مطلع می‌شوند. این اتفاق فقط در محدوده اخبار نخواهد ماند بلکه در سایر اتفاقات از جمله پناهندگی هم انعکاس خواهد یافت. در آینده مسئله مهاجران بیشتر هم خواهد شد. امروز و با وجود رسانه‌های جدید هر لحظه، هرکسی می‌تواند برآوردن امیدهای خودش را در حضور در جای دیگر تصویر کند. با وجود این وسایل؛ ارتباطات زیاد می‌شود و همین امر نیاز به نقل‌وانتقال را هم افزایش می‌دهد و انگیزه برای گریز از وضع ناخوشایند را افزایش می‌دهد. این موضوع نشان می‌دهد که دیگر نمی‌توان دور خود حصار کشید و از تبعات مشکلات سایر مناطق در امان ماند.

✎ گاهی این انتقاد مطرح می‌شود که چرا پناهندگان به کشورهای همسایه در خاورمیانه مهاجرت نمی‌کنند و این بار بر دوش اتحادیه اروپا افتاده است؟

جداى از مسئله آواره‌ها باید برای این بحران فکری شود؛ بحرانی که بخشی از ریشه آن ناشی از سیاست غربی‌ها بود که گمان کردند می‌توانند اسد را چندماهه بپردازند و یک حکومت مردمی سرکار بیاورند. ولی وقتی نتوانستند، تازه فهمیدند که از مخالفان او باید به خودش پناه ببرند ولی این کار را هم نکردند و منطقه را در خلا قدرت رها کردند و در چنین خلا قدرتی مراهایی حیات پیدا می‌کند که باید از ترس آنان به ازدها پناه برد. آنان با حضور سیاسی خودشان موازنه قوا را علیه اسد به‌هم زدند ولی نتوانستند جایگزین

یادداشت

سینماگران اجتماعی پیشگویان آینده



✎ **گیسو فقفوری**

هنوز زمان زیادی از اعلام نظرسنجی گالوپ نمی‌گذرد که ایران را در کنار عراق در صدر عصبانی‌ترین مردم دنیا داده است. هنوز باور اینکه دختران زیادی به دلیل ترس از معتادشدن یا ازدواج اجباری از خانه فرار می‌کنند وجود دارد. اینکه در فضای مجازی مشکلات زیادی برای نوجوانان پیش می‌آید هم دیگر جزء نکته‌های آموزشی است. در این روزها که سینماگران فعالیتی‌های یک‌ساله خود را بررسی می‌کنند و از آنانی که بیش از دیگران زحمت کشیده‌اند قدردانی می‌شود، در این روزهای منتهی به روز ملی سینما، مرور فعالیت‌های سینماگران اجتماعی یک «خسته نباشید» بلندبالا را ندای می‌کند. سینماگران اجتماعی با دیدی متفاوت توانسته‌اند برخی از مصائب جامعه را ببینند و بررسی کنند و تبدیل به اثر کنند. آنان به پیشگویی روند جامعه می‌پردازند و با آمیختن فضا با جنبه‌های دراماتیک، آن را به‌سان آینه‌ای در برابر بیننده می‌گیرند. مگر «رضا درمیشیان»، فیلمش را با عنوان «عصبانی نیستم» نساخت و به احترام روزهای بر لبه تیغ مسئولان سینمایی در کمد خانهاش قرار نداد. مگر «قصه‌های» رخشان بنی‌اعتماد مرور نکرد عشق و عذاب اعتیاد و ایدز و فرار از خانه را. مگر «نیم‌رخ» ابوالحسن داوودی روایتگر فضای مجازی و مصائبش نیست. مگر «یک پذیرایی ساده» مانی حقیقی از منظری نمی‌تواند روایتی از ماجرای پخش‌کردن پول با گونی در میان مردم و عواقب آن باشد؟ همان که امروز مدام گفته می‌شود. آن روزی که شالیزه عارفیور فیلم «حیران» را درباره مهاجران افغان می‌ساخت، شاید فقط روایتی دراماتیک بود از بیرون‌کردن مهاجران افغان و اکنون به‌عینه می‌بینیم این عدم احترام به میهمانانمان توانست در سال‌های بعد رفتارهایی نژادپرستانه نظیر اصفهان و ...را به وجود آورد. همان‌طور که برخی می‌گویند مهرجویی با ساخت «بانو» می‌خواست جابه‌جایی طبقه‌های اجتماعی را به ما گوشزد کند. انتظار مردان برای فرزندان مفقودالاث‌شده‌شان را که در «پوسیدن روی ماه» همایون اسعدیان به تصویر کشیده شد، همان روزی که جنازه‌های غواصان دست‌بسته را در تهران تشییع کردند به‌گونه‌ای دیدیم. سینماگران این‌روزها به استقبال روز ملی سینما می‌روند؛ آنانی که لحظه‌های شاد و غم‌انگیز را در آثارشان ماندگار کردند. روزشان مبارک.

● شماره پانزدهم ماهنامه «ایران فردا» در صد صفحه منتشر شد. روی جلد این شماره به «حمید عنایت»، از چهره‌های روشنفکری دینی، اختصاص پیدا کرده و به همین مناسبت، محمدعلی همایون‌کاتوزیان، فرهنگ رجایی، حاتم قادری، علی قیصری، احسان شریعتی و... در یادداشت‌ها و مقالات و گفت‌وگوهایی به تحلیل حیات فکری عنایت پرداخته‌اند. ایران فردا در این شماره خود پنج پرونده ویژه دارد: «خودسازی روشنفکری»، «نابرابری

